



دود موتور این دخترها از موتورهای شما بیشتر نیست!

اعلام موضع حاج کاظم درباره دود دختر موتور سوار دزفولی
حاج کاظم + شهرتنگ: زور تون فقط به این دخترهای موتور سوار می رسه؟!
یک کارشناس امور موتور هزارانه: زور مون به شمار روز نامه نگار ها هم میرسه!
میخواین بیابیم؟!
وزارت کشور: نیت پلیس خیر بوده، می خواسته ترافیک نشه!
#موتورسوار_هم_ممنوع_شدن_شهرتنگ

سخنان سر کرده القاعده علیه داعش! نه طالبان، نه داعش لعنت به هر دو تائش! ایمن الظواهری: حکومت واقعی نه اینیه که داعش داره، نه اینی که طالبان اجرا میکنه فقط القاعده!

البغدادی، خلیفه داعش: باباشما القاعده ای ها خیلی لبرال مسلکید!
یه مشت ساز شکار ید که دستم بهتون برسه خود منفرج تون میکنم!
#ته دیگ_به_ته دیگ_شهرتنگ

کوچه اول

علی اکبر محمدخانی | یادش بخیر، نمی دونم کلاس چند ابتدایی بودم، معلم منو کشید پای تخته که جدول ضرب بیرسه، حالا منم همه رو درست می گفتم، سر سه پنج تا گیر کرده بودم. هر چی معلم می پرسید سه پنج تا می گفتم: چاره تا، معلمون که کلافه شده بود، برای اینکه درس عبرتی به من داده باشه، بابای مدرسه رو که داشت حیاط رو چارو می زد صدازد گفت: مش قاسم سه پنج تا چندتا می شه؟ مش قاسم گفت: بیست و غنشنا، من تا اوادم یکم خوب خودم که کمتر اشتباه می گفتم، معلم زد پس کلمه که آدم روی حرف بزرگترش حرف نمی زنه، اگه مش قاسم می که بیست و غنشنا، چندتا پیرهن بیشتر از ما پاره کرده، حتما به چیزی می دونه که می گه. هیچی فرداش از روز آرتوخته به معلمون کارت صدافرین دادند که در این بره حساس کنونی احترام بزرگتر رو حفظ کرده، بعدم نامه زدند که توی همه کتابهای درسی حاصل ضرب سه پنج تا به جای پونزده تا بشه بیست و غنشنا یعنی می خوام یکم احترام بزرگتر تقدواجاچه.



تزیقات

گفت و گو با میمون پر خاشگر
آیدین سیار سریع
طنز نویس
idin.sayyar@yahoo.com

۲۶ دی ماه ۱۳۹۵ را در حالی شروع می کنیم که همه با هم دعوا دارند. بعد از دعوی اخیر بر سر تعداد جمعیت حاضر در تشییع مرحوم هاشمی، امروز شاهد دعوا بر سر ایرباس هستیم. ما هم همین طور به تماشای جهان نشستیم. ما داریم نگاه می کنیم تا ببینیم آخرش چه می شود. اولش می خواستم راجع به این موضوع ایرباس بنویسم ولی بعد به خودم گفتم ولش کن! ما که نباید درگیر بازی های سیاسی شویم. ما باید مثل بچه آدم بنشینیم توی هواپیما و سقوط کنیم تا سوزه دعوی سیاسی بعدی جور شود. طبق یک جمع بندی که از اخبار دیروز داشتم، دیدم تنها موضوعی که فعلا سیاسی نشده و سرش جنگ و دعوا نیست «ورود پر خاشگرترین میمون جهان از طریق قاجاقی به ایران» است. دامپزشک حیات وحش گفت: «میمون زروس که تنها میمون کشور افغانستان است، از خانواده ماکاها بوده و وحشی ترین و پر خاشگرترین میمون دنیا قلمداد می شود.» ایشان در ادامه افزود: «متأسفانه مدت ها است میمون زروس به طور قاجاقی وارد کشور می شود و چون در دوران کودکی جذبیت قابل توجهی دارد، به عنوان حیوان خانگی در منازل نگهداری می شود.» به پنهان ورود و داشتن میمون زروس به کشور گفت و گویی کوتاه را با یکی از میمون ها انجام دادم:

ما باسلام خدمت شما میمون عزیز، لطفا خودتان را معرفی کنید.
مپ: بدون سلام و باعرض بی ادبی خدمت شما طنز نویس هتاک و داداده و خوانندگان بدتر از خودتون بنده میمون پر خاشگر هستم.
ما: خیلی ممنون لطف بفرمایید بگویند شما از کی در ایران هستید؟
مپ: این...! آها! همون قاضولی ها! به تونومدمه. ما جاساز مولی داریم مصاحبه می کنیم.
مپ: دست خودتون نیست داداش پر خاشگر م.
ما: من می فهمم ولی سعی کنید به سوالات ما هم پاسخ بدید.
مپ: در پاسخ به سوال مستور تون باید یکم که ما خیلی رفته به ایران قاجاقی می شیم.
ما: مردم برای چی شما رو می خرن و نگه می دارن؟
مپ (کلافه می شود): گلاب تون ذاتشون، ما هیچفهمیدیم.
ما: ظاهرا به این خاطر است که شما در کودکی خیلی ناز و گولگی هستید.
مپ: آره استثنایا با اون مغز کوچکیت درست گفتمی.
ما: دلایلش چیست که بعدا پر خاشگر می شوید و به این صورت در می آید؟
مپ: بین چون ما تو بچگی خیلی گولگی هستیم، هر کاری کنیم همه قرون صدقه مون میزن. هیچ منعی بابت هیچ کاری نداریم. هر چی هم فحش میدیدیم بقیه میگن قرون اون شیرین زبونیا بشیم.
ما: چه رفتار آشنایی ولی آنها شما را بعدا در طبیعت همامی کنند. علش چیست؟
مپ: خب ما از یه سنی به بعد علاوه بر فحش، گاز هم می گیریم!
ما: گاز شاهم گویا کشنده است، درست؟
مپ: درست قولتمن ولی حقیقت داره ما به استقلال که می رسیم اونهایی که بزرگمون کردن و از مون حمایت کردن رو گاز می گیریم و می کشیم.
ما: آیا این از ره کین است یا اقتضای طبیعتن این است؟
مپ: هر دو. گاهی هم منافع میمون ایجاب می کنه.
ما: از شما پر خاشگر عزیز متشکریم که وقتتان را به ما اختصاص دادید. به عنوان حرف آخر اگر صحبتی دارید بفرمایید.
مپ: صحبت خاصی ندارم، یک مقدار فحش داشتم می خواستم به شما بدم.
ما: بفرمایید.
مپ: طنز نویس هتاک بدبخت داداده جیره خوار غرب قلم به مزد هرزن نویس عتیر گاوا! یه گاز هم بگیرم؟
ما: نه.
مپ: پس یه موز برداشتم.



شهرتنگ خبرنگار

سامی ریگی | ماده ۵۷ حقوق شهروندی: همه شهروندان حق دارند در مقابل هر گونه جرم بعد از شدن احساسات ناشی از صدا، تصویر، ورزش، نفس کشیدن، راه رفتن، لباس پوشیدن و هر چیز مرتبط با زنان محافظت شوند. دولت موظف است از ردیف بودجه سالیانه هزینه بر خورد با نیمی از شهروندان زن را در اختیار نیمی دیگر شهروندان مرد قرار دهد تا مردها به سرعت و با همکاری خود مردم و نهادهای مربوطه، زنان ناهنجار را دستگیر نمایند.
شهرتنگ خبرنگار: سلام، من از جنگل های پر پشت کوبر برای شما گزارش تهیه می کنم. متأسفانه این جادای میوی یک گربه بلند شده و حال من رو خراب کرده. من برای دولت متأسفم که نمی تونه با هنجار شکنی این گربه ها مقابله کنه و اینها از آذانه در جنگل، در کنار دریا، در خیابان، روی دیوار مشغول میومو کردن و تحریک جامعه هستند. اگر همون بلایی که سر اون تساح اومد، سر این گربه ها هم آمده، بداندید تقصیر خودشونه! تقصیر ما نیست که هنجار مون به گاز موتوری و میوی گربه ای بندی باشه!

کوچه دوم

ارمغان زمان فشمی | ماهواره
«اھی است راه عشق که هیچش کناره نیست»
کون دلی که از ستمش پاره پاره نیست؟
حتما تو نیز باخسیری از رموز عشق
در پشت بام خانه مگر ماهواره نیست؟
سریال های ترکی آن را ندیده ای؟
شب گر نشد، مهلت پخش دوباره نیست؟
من هر چه «چم» کُندش پخش، دیسدهام
بیکارم و به جز این کار، چاره نیست
این راه هم از تو گرفتند بیگنا؟
در ففت آسمان تو پس یک ستاره نیست!

زورخونه

بمب های همه کس کس!

این دیگه واقعا با قرص اعصاب هم خوب نمی شه. شوک الکتریکی بسزن هانی! چوپان دروغگو گفت: «خانم! من با شما شوخی دارم!» بهاره رهنما گفت: «برو بی کارت مرتیکه غربیتی!»
فریدون مشیری گل سرخی که توی دستش بود بو کرد و بعد گفت: «با هم خوب باشین بچه ها! دنیا ارزش نداره!» صادق هدایت گفت: «الکی خوش!» پینوکیو گفت: «بابا راست می گه دیگه فریدون! چه خبر تونه افتادین به جون هم؟!» صادق هدایت گفت: «من فقط یه سوال پرسیدم. بعدشم جابمو نگر فتم.» رضا رهگذر ۳۶۰ درجه اخم کرد و گفت: «لطفا آدما ی نامید و خودکشی کن ساکت شن! مرسی! ادا!» اصغر فرهادی گفت: «به نظر من...» جواد شمقدری گفت: «اصغرا می خورای امسال هم برات لای کنم اسکار بگیر!» کمال تبریزی گفت: «تو اگه می تونی کاری کنی، فیلمای منو از توقیف دربیار. اصغر همیشه رو پا خودش استاده!» در همان لحظه تاریخی سید محمد غرضی خنده گل و گشادی به لب انداخت و گفت: «دعوا کنید، هی بزید توی سر و کله هم، آن قدر دعوا کنید که اجنبی جماعت بیاد بمب های همه کس کنش بریزه سرمون!» و بعد سکوت عجیبی حاضران در صحنه را فرا گرفت!

فاضل ترکمن
طنز نویس
صادق هدایت عینک ته استکانی اش را کمی به سمت بالای بینی اش سوق داد و بعد گفت: «در زندگی زخم هایی است...» هنوز جمله اش تمام نشده بود که چوپان دروغگو گفت: «من همیشه دلواپس زخمای توام!» رضا رهگذر بادی به غیغیش انداخت و گفت: «آفرین چوپان! آفرین! روابان اخبار و ناقلان آثار به تو افتخار می کنند!» کمال تبریزی گفت: «هوای! هوای! صادق رو اذیت نکنین و گرنه می رم فیلم توقیفی می سازمها!» جواد شمقدری گفت: «خب بساز! کی رو می ترسونی! تازه اگه خوب باشه، برات لای می کنم که اسکار ببری!» چوپان دروغگو بقی زد زیر خنده و گفت: «بعد اسم من و پینوکیو بد در رفته!» پینوکیو گفت: «صادق جان! حالا دامه حرفاتو با اجازه روابان اخبار و ناقلان آثار و به خصوص آقای سرشار یا همون جناب رهگذر بگو!» چوپان دروغگو گفت: «ببی خود!» صادق هدایت گفت: «گاز را بیاورید!» بهاره رهنما زد زیر گریه و با چشم های اشکی گفت: «اگه بلایی سر صادق هدایت بیاد، من می دونم و شما و این تیزی اینستاگرام و توئیتر!» چوپان

کافه فشمی | شمار هفتاد: | ایراس، بهار نمی شه! موسسه، اوج خدمت شما | ایراسی موسسه، و کسی کم است | و چیز انتها اندازد: کائنات و هنجار عزیزان! | نسل هفتاد: | اگر کسی ز ادای آن ترفند کرده و تحولت گرفت، بسادون به جایی نیست ندی کرد: | هنجار خود را امر لافافه بیچیده تا نشکند: | ایراد، من، توئیتر | اینطوری نیست هر نفسی روزی و